

طبیعت و حفظ محیط زیست

در متون باستانی ایرانی

قسمت اول:

از دوران باستان، بر پایه‌ی آیین‌ها و کیش‌های باستانی ایرانی، ایرانیان همواره در پاسداشت محیط‌زیست کوشا بوده‌اند تا جایی که بیگانگان در کتاب‌های خود به مقوله اشاره کرده‌اند، چنان‌که هم‌گزنفون و هم‌هرودوت، در تاریخ‌های خود نوشته‌اند: «ایرانیان هیچ چیز آلوده و کثیفی را در آب نمی‌ریزند و در پاک نگاه داشتن خاک و زمین مراقبت می‌کنند.»^(۱)

ایرانیان باستان، عناصر زمین و طبیعت را مقدس می‌شمردند، عناصری همچون: آب، آتش، باد، زمین، کشور(میهن) و به پاک پروراندن این عناصر اهمیت می‌دادند.

یکی از عبادات مخصوص ایرانیان در پاسداشت طبیعت، مراسم گاهنبارها بوده است.

در اینجا بررسی و تحلیل و برگردان هر کدام از این موارد می‌پردازیم.

یکی از سنت‌های کهن که برای پیروان آیین‌های ایرانی ارجمند بوده، برگزاری گاهنبارهاست. گاهنبارها جشن‌هایی بوده که ایرانیان از زمان‌های باستان در اوقات معین سال می‌گرفتند و شرکت در آن‌ها برای هر ایرانی، لازم و از کارهای نیک بوده است.

این جشن‌ها هنگام پدید آمدن آسمان، زمین، آب و گیاه و حیوان و انسان برگزار می‌شده است. در کتاب آوستا، نام این جشن‌ها و

زمان برگزاری آن‌ها آمده است. هر یک از این جشن‌ها در آوستا با صفاتی متناسب با فصل و زمان معین آمده. اولین گاهنبار با صفت شیردهنده(بهار)، دومین هنگام درو علفه، سومین هنگام خرمن کردن، چهارمین هنگام برگشت گله از چرای تابستان، پنجمین هنگام سرما و ششمین زمان مراسم دینی.

در نوشته‌های پهلوی، مدت هر یک از گاهنبارها پنج روز و روز اصلی آخرین روز این مراسم بوده است و چنین آمده:

«اورمزد در شش گاه، که مجموعه ایام آن ۲۶۰ است، جهان و موجودات را بیافرید. نخست آسمان را در چهل روز، پس از پنج روز آسایش، آب را در پنجاه و پنج روز، پس از پنج روز آسایش، زمین را در هفتاد روز، پس از پنج روز آسایش، گیاه را در بیست و پنج روز، پس از پنج روز آسایش، حیوانات را در هفتاد و پنج روز، پس از پنج روز آسایش، آدمی یعنی گیومرد را، او سپس پنج روز دیگر آسایش کرد و این فقرت‌های پنج روزه، یک یک گاهنبار را به وجود آوردند.»^(۲)

صورت آوستایی گاهنبار، گاتویاییریه^(۳) به معنی هنگام سال و در پهلوی گاسانبار و در فارسی گاهنبار یا گهنبار گفته می‌شود.^(۴)

نام این جشن‌های شش‌گانه در آوستا و نوشته‌های پهلوی

پروفسور دکتر فاروق صفی‌زاده

چنین است:

۱- مئیدیوئی زرمیه^(۵) یا میدیوزرم، به معنی میان بهار و هنگام برگزاری آن چهل و پنجمین روز سال بوده است.

۲- پئیش ههیه^(۶) یا پتیه شهیم، به معنی هنگام رسیدن دانه و هنگام درو و زمان برگزاری آن دویست و هشتادمین، روز سال بوده است.

۴- ایاتریم^(۷) یا ایاسرم، به معنی برگشت و هنگام برگشت از چراگاه و زمان برگزاری آن دویست و دهمین روز سال بوده است.

۱- به نقل از کتاب: دیدی نو از کهن، دکتر فرهنگ

مهر، جامی، تهران ۱۳۷۴، ص ۷۰

۲- نک، داستان دینیک، آفرینش.

3- Gatuyairyē.

۴- خرده آوستا.

5- Maidhyoi zaremaya.

6- Paitis Hahya 7- ayasrima

۵- مئذیا^(۱) یا میدیاترم، به معنی میان سال و هنگام برگزاری آن دویست و نودمین روز سال بوده است.

۶- همسپئمدیه^(۲) یا همسپئمدم به معنی حرکت سپاه و هنگام برگزاری آن سیصد و شصت و پنجمین روز سال بوده است.

در ویسپرد از گاهنبارها سخن رفته و هر یک با صفت خاص که نمودار هنگام برگزاری آن‌هاست به این ترتیب آمده: میدیوزرم با صفت شیردهنده. میدیوشهم با صفت کشتزار درو شده. پتیه شهیم با صفت خرمن به دست آمده. ایاسرم با صفت برگشت از چراگاه تابستانی و گله‌ی جفت‌گیری شده. میدیایرم با صفت سرما. همسپئهدم با صفت انجام‌دهنده ستایش دینی.^(۳)

در نوشته‌های پهلوی و نیز نوشته‌های دینی زردشت، هر یک از جشن‌های شش گانه‌ی گاهنبار را هنگام آفرینش یکی از آفریدگان جهان مادی آورده و مدت برگزاری جشن را پنج روز یاد کرده‌اند.^(۴)

در مینوی خرد گاهنبار به نیروی خرد ساخته و مقدر شده و برگزاری آن سومین کارنیک مهتر و بهتر یاد شده است.^(۵)

در میان زردشتیان برگزاری آیین گاهنبارها و شرکت در آن‌ها از واجبات و ترک آن موجب گناه بوده است. در کتاب صدر بندهشن نیز مطالب سودمندی درباره‌ی گاهنبارها آمده است.^(۶)

عناصر مقدس طبیعت: آب:

ایرانیان باستان، عناصر مفید

و سودمند را که به نحوی در زندگی مؤثر بوده، مقدس داشته، و ایزدی را نگهبان آن می‌دانستند. آب یکی از عناصر سودمندی است که بسیار مورد ستایش و نیایش قرار گرفته و در سراسر کتاب آوستا با تقدیس از آن سخن رفته است.

واژه‌ی آب در آوستا به صورت آپی^(۷) و در پهلوی آپ^(۸) گفته می‌شود.

در اساطیر ایرانی، آب دومین آفریده‌ی جهان مادی است. در بندهشن آمده: «دو دیگر آب را آفرید به پنجاه و پنج روز، که از روز مهر ماه اردیبهشت تا روز آبان ماه تیر است. پنج روز برگذشت تا روز دی به مهر، آن پنج روز گاهنبار است و او را نام مدیوشم و او را گزارش چنین است: آب روشن به کرد، زیرا نخست تیره بود.»^(۹)

هنگامی که آهورا مزدا آب‌ها را آفرید. آب‌ها به سوی دریای فراخ کرد که در جانب جنوب البرز بر بسط زمین گسترده شده بود سرازیر شد، آب‌های هزار دریاچه در این دریا جای دارد و هر یک دارای خواص است. دریاچه‌ها یکسان نیستند. بعضی کوچک و برخی بزرگند که چهل روز یک سوارکار ورزیده نمی‌تواند اطراف آن را بپیماید.

سرچشمه‌های این آب‌ها تله‌ی البرز است که باید از یکصد گذرگاه بگذرد. آب‌ها پس از گذشتن از این گذرگاهها به دریای مقدس اورویس می‌ریزند و پس از تصفیه از آن جا خارج می‌شوند.

مورخین یونانی درباره‌ی

احترامی که ایرانیان به آب می‌گذاشتند مطالبی نقل کرده‌اند، از جمله هرودوت می‌نویسد: ایرانیان آب را گرمی می‌دارند و برای آن مانند سایر عناصر مفید، از قبیل آتش، باد و غیره، فدییه و نیاز می‌آورند. هم او گوید که: ایرانیان در رود بول نمی‌کنند، در آب تفو نمی‌اندازند و دست در آن نمی‌شویند و به کثافات آن را آلوده نمی‌کنند.^(۱۰)

استرابون می‌نویسد: هنگامی که ایرانیان برای فدییه و نیاز، به کنار رود یا جویبار یا چشمه یا دریا می‌روند، در کنار آن خندقی حفر کرده و در آن جا قربانی می‌کنند و توجه دارند که آب به خون آلوده نشود، سپس گوشت قربانی را روی شاخه‌ی مورد می‌گذارند و مردها با چوب‌های مقدس آن را لمس می‌کنند و او را دو کلام مقدس بر زبان جاری می‌سازند، آن گاه زیت آمیخته با شیر و عسل، روی زمین می‌ریزند. در حالیکه شاخه‌های برسم در دست دارند، مراسم قربانی را به پایان می‌رسانند.

ایزدان نگاهبان آب، به نام‌های آبان، اردویسو آب یا اردویسور آناهیتا آمده و اپم نیات یا برز ایزد و یا آبان ناف که مأمور پخش آب هاست از یاران او هستند. امشاسپند خرداد، سرور

1- Maidhyairya. 2- Hamaspasmaedy

۳- ویسپرد/۲۷.

۴- زندگاکاسیه ۲۶ و قرن نغ دادگی ۴۱.

۵- مینوی خرد/۱۸ و ۷۳.

۶- صدر بندهشن/۱۲۱.

7- Api

8- Ap

۹- زند آکاسیه/۷۲. ۱۰- پشت‌ها/۱-۱۶.

آب‌هاست که به گفته بندهشن هستی، زایش، و پرورش جهانی مادی از آب است. یشت کتاب پنجم کتاب یشت‌های آوستا که به نام آبان یشت نامیده می‌شود، در ستایش و بزرگداشت ایزد آب است. درگاه شماری ایران باستان، روز دهم هر ماه و ماه هشتم هر سال خورشیدی به نام ایزد آبان است.

آبان ناف به معنی سرچشمه یا ناف یا زاده‌ی آب است. در آوستا به صورت اپمنپات^(۱) و در پهلوی برز یا برج ایزد و نیز آبان ناف گفته می‌شود. این ایزد مأمور پخش آب به کشورهاست.

آتش:

یکی از عناصری که نزد ایرانیان باستان بسیار مقدس و مورد ستایش بوده، آتش است. بندهشن در آوستا به صورت آترش^(۲) یا آتر^(۳)، در پارسی باستان آتر یا آسر و در پهلوی آتور یا آتخش و آتش در فارسی آذر یا آتش آمده است.

فرشته‌ی نگاهبان در پهلوی: آتوریزت و در فارسی آذر ایزد نامیده می‌شود.

در آوستا، بخش یسنا، هات ۶۲ به ایزد آذر اختصاص دارد و در یسنا ۱۷، بند ۱۱ از پنج قلم آتش یاد شده:

۱- آتش برزی سونگه^(۴)، که به معنی آتش بسیار سودمند است و در تفسیر پهلوی به صورت بلند صوت آمده و به گفته بندهشن، این آتش سرچشمه‌اش در آسمان و برابر آهورامزدا و آتش آتشکده‌ها از پرتو آن است.

۲- آتش و هوفریانه^(۵) که به

معنی دوستدار نیکی است و در تفسیر پهلوی آتش غریزی و یا آتشی که در تن مردمان و چارپایان است توصیف شده.

۳- آتش اوروازیشته^(۶) که معنی شادمانی بخشنده‌تر و در تفسیر پهلوی، آتشی است که در نباتات و گیاهان می‌باشد.

۴- آتش وازیشته^(۷) که به معنی سودمندتر، پیش برنده‌تر و در تفسیر پهلوی آتش برق یا آتشی که در ابرهاست توصیف شده و در ونیداد، فرگرد ۱۹، این آتش، آتشی است که دیوسپنجغر را به هلاکت می‌رساند.

۵- آتش سپنشته^(۸) که به معنی مقدس‌تر، و آن آتشی است که در گرزمان بهشت برین در برابر آهورا مزداست و به گفته‌ی بندهشن، آتشی است که در روی زمین به کار برند و از آن است آتش بهرام در خورده آوستا یکی از نیایش‌ها به نام آتش نیایش است.^(۹)

امشاسپنداردی بهشت، نگاهبانی آتش را بر عهده دارد و ایزد آذر از همکاران او می‌باشد. به همین سبب در اردیبهشت (روز سوم هر ماه) مزدیسنان، در آتشکده مراسم نیایش به جای می‌آورند. در بندهشن آمده: آتش، در آغاز پاک و روشن بود. اما اهریمن بدو حمله کرد و با آلودگی و دود آمیخته شد.^(۱۰)

در ونیداد می‌بینیم که آهورامزدا در پاسخ این که آیا آب و آتش کشنده هستند، می‌گوید که آب و آتش کشنده نیستند، بلکه این دیواستوئیدات (مرگ) است که

آدمی را در برابر آتش و آب می‌کشد.^(۱۱)

در آیین ایران باستان، هر کس به آتش بی‌احترامی می‌کرده، گرفتار خشم و غضب الهی می‌شده است. چنان که گرشاسب پهلوان، با همه‌ی کارهای سودمند که کرده بود، به سبب بی‌احترامی به آتش، امشاسپند اردیبهشت فرشته‌ی نگاهبان آتش، مانع ورود او به بهشت شد و سرانجام پس از پایمردی (شفاهت) زردشت، روان و به بهشت راه یافت.^(۱۲)

درصد در نثر، در یازدهم آمده: آتش خانه را نیکو باید داشتن، چه هر گاه آتشی که در خانه بود، نیکو دارند، هر آتش که در هفت کشور زمین است، از آن کس خشنود باشد، چون حاجت خواهند زود روا شود.^(۱۳)

در یسنا، هات، آذر اورمزد، با امشاسپندان مورد ستایش قرار می‌گیرد^(۱۴) و در هات ۲۵ و نیز در ویسپرد، آذر، پسر اورمزد رد پاکی است و با همه‌ی آتش‌ها مورد ستایش قرار می‌گیرد. در یسنا هات ۲۶ آذر مانند سپند مینو، خوشی آهورامزدا نامیده شده و ضمن ستایش آن از او چنین خواسته شده: به خوش‌ترین روش، به سوی ما آی. ای آذر مزدا آهورا، به آرامش دهنده‌ترین

- 1- apammnapat. 2- atars.
3- atar 4- berezi savangha.
5- vahufryana. 6- urvuazista.
7- vaziat. 8- Spenista.

۹- خورده آوستا، ۱۳۱.

۱۰- زنداکاسیه، ۵۲. ۱۱- ونیداد/۱۱۸.

۱۲- صدر بندهشن/۸۶.

۱۳- صدر نثر/۱۰. ۱۴- ویبرد/۴۳ و ۵۶.

شادمانی، با شایسته‌ترین درود، در هنگام داستان بزرگ(داوری روزپسین) به ماروی آر.^(۱) آتش‌های سه گانه(آتش بهرام، آتش آدران و آتش دادگاه) در متون پهلوی و آوستایی مورد تقدیس و ستایش قرار گرفته و در مورد هر کدام از این آتش‌ها بندهایی آمده است.

باد:

باد که در آوستا به صورت وات و در پهلوی به صورت وات و در فارسی باد گفته می‌شود، هم به معنی، با دو هم نام ایزد باد است. در آوستا گاه وایو فرشته‌ی هوا با باد یکی شمرده شده است. در فروردین یشت فروهرهای توانای پرهیزگاران به همراهی ایزدان مهر و رشن و او پمن و باد پیرومند به پیروزی روی می‌آورند.^(۲) در مهر یشت نیز باد پیرومند به همراهی ایزد مهر و داموئیش او پمن به یاری پارسایان رو می‌آورد.^(۳) در رشن یشت باد پیرومند همراه آهورا مزدا و ایزد داموئیش او پمن به یاری زردشت می‌روند.^(۴) در نوشته‌های پهلوی باد هم به صورت ایزد باد و هم دیو باد آمده است.^(۵)

درگاه شمار ایران باستان، روز بیست و دوم هر ماه باد روز نامیده می‌شده است.

بوی خوش

از سنت‌هایی که در میان ایرانیان باستان رواج داشته، خوش بو کردن محیط‌زیست به خصوص مکان‌های مقدس

همچون آتشگاه بوده است. در آوستا بخور دادن گیاهان خوش بو توصیه شده و از سوزانیدن چوب‌های بدبو پرهیز داده شده است. در وندیداد، بخور دادن به وسیله‌ی چوب‌های خاص برای پاک کردن و ضدعفونی نمودن سخن رفته و نام گیاهانی از قبیل اورسنا^(۶) و هوگئون^(۷) و هوکرتی^(۸) و هذانتا^(۹) نیز آمده و چنین یادآوری شده که به هر طرفی که باد بوی آتش را که در آن چوب‌های می‌سوزد پراکنده کند، از همان طرف ایزد آذر هزارپا دیوهای نهانی تیره نژاد را براند.

در بهرام یشت از دو نوع چوب به نام‌های هپرسی^(۱۰) و نمذک^(۱۱) که بدبو و تر بوده و شایسته‌ی سوزانیدن نیستند سخن رفته و سوزانیدن آن گناه بوده است.^(۱۲) در بندهشن نام گیاهان خوش بو و گلها آمده و در ساله‌ی خسرو قبادان وریدک نیز نام بسیاری از گیاهان خوش بو یاد شده است.^(۱۳) آرداویراف مقدس، هنگامی که آماده‌ی سفر روحانی خود می‌شود، پس از سر و تن شستن و جامه‌ی نو پوشیدن و بوی خوش بوییدن و انجام دادن کارهای دیگر دینی، به بازدید بهشت و دوزخ می‌پردازد.^(۱۴)

هردوت مورخ یونانی، در کتاب هفتم، درباره‌ی لشکرکشی خشایارشا به یونان می‌نویسد: چون ایرانیان آماده‌ی حرکت شدند، در بامداد هنگام برآمدن خورشید در روی پللی که برای گذراندن لشکریان در روی

داردائل ساخته بودند برگ مورد پاشیدند و انواع و اقسام بخور سوزانیدند.

در ایران باستان، در شب نوروز، آتش می‌افروختند و ساقه‌های درخت کاج را به درون آتش می‌ریختند که هم بوی خوش در فضا پخش می‌شد و هم صدای ترقه از آن بر می‌خواست که بعدها پس از اسلام، مراسم آتش افروزی شب نوروز به چهارشنبه منتقل شد و نام آن به چهارشنبه سوری تغییر یافت.

زامیاد:

زامیاد یا زام یزت، نام یکی از ایزدان آیین مزدیسنی و فرشته‌ی زمین می‌باشد. این نام در آوستا به صورت زَم و در پهلوی زمیک و در فارسی زمین گفته می‌شود. زمین در آیین ایران باستان مقدس و محترم بوده و مانند آسمان ایزدی او را نگهبانی می‌کند. در بخش‌های مختلف آوستا یا زامیاد یا زام ایزد سخن رفته و در ردیف ایزدان آیین مزدیسنی یاد شده است. در یسنا، هات ۱۶، ایزد زمین مانند ایزد آسمان و اشتاد و ما را سپند و انیران مورد ستایش قرار گرفته است^(۱۵) وی در آوستا با صفت هوذاه^(۱۶) یعنی نیک کنش آمده. یشتی‌ها از یشت‌ها به نام

۱- یسنا/۲/۳۲. ۲- یشت‌ها/۲/۷۰.

۳- همان/۱/۴۲۷. ۴- همان/۱/۵۶۷.

۵- گزیده‌های زادسپرم/۹.

6- Urvasna. 7- Vohugaona.

8- Vohukereti. 9- Hazanaepata.

10- Haperesi. 11- Nemezka.

۱۲- یشت‌ها، ۱۳/۲.

۱۳- خسرو قبادان وریدک/۳۱.

۱۴- ارداویرافنامه/۲۵. ۱۵- یسنا، ۱۹۴/۱.

16- hudhah.

زامیاد یشت است^(۱) در میان امشاسپندان وظیفه‌ی جهانی امشاسپندارمز نگاهبانی زمین است^(۲) در بندهشن، زامیاد مینوی زمین یاد شده است. وی در سر پل چینود پس از آن که ایزدرشن روان‌ها را آمار کرد. به اتفاق اشتاد آن‌ها را به ترازو می‌گذارد.^(۳)

زام ایسزد از همکاران امشاسپندا مرداد است و درگاه شماری ایران باستان روز بیست و هشتم هر ماه شمسی به نام این ایزد، زامیاد روز نامیده می‌شود که نگاهبانی این روز با این ایزد می‌باشد.^(۴)

مسعود سعد می‌گوید:

«چون زامیاد نیاری ز می‌تو
یاد زیرا که خوش‌تر آید می‌روز
زامیاد.»

زمین:

زمین یکی از عناصر مفیدی است که ایرانیان باستان آن را مقدس داشته و مورد ستایش قرار می‌دادند. صورت آوستایی این واژه زَم در پهلوی زمیک است. در اساطیر ایرانی آفرینش زمین در مرحله‌ی سوم پس از آب می‌باشد. در فروردین یشت، آهورامزدا به زردشت می‌گوید: از فروغ و فروهرهاست که زمین فراخ آهورامزدا را آفریده و بلند و پهن که حاصل چیزهای زیبا و حامل سراسر جهان مادی است، نگاه می‌داریم.^(۵)

در وندیداد، زردشت از آهورامزدا می‌پرسد؛ کدام زمین شادتر و کدام زمین ناشادتر است و آهورامزدا خصایص این زمین‌ها را بیان می‌دارد.^(۶)

در نوشته‌های آوستایی سطح زمین به هفت پاره یا هفت کشور پخش شده و نام آنها نیز آمده است.^(۷) از سیسناها ۱۱ و نیز فروردین یشت چنین برمی‌آید که عمق زمین سه طبقه بوده است.^(۸) در نوشته‌های پهلوی درباره‌ی زمین و پیدایش آن سخن رفته است. در گزیده‌های زادسپرم سومین مقابله‌ی اهریمن و یارانش با آفریدگان اورمزد است و چنین آمده: چون سه دیگر به زمین آمد پذیره (= مقابله) او را همان زمین بیاراست آن گونه که از شکستن و لرزش آوردن زمین البرز که بر کناره‌ی زمین است و دیگر کوه‌ها میان گردی زمین برستند که اندر شمار به دو هزار و دویست و چهل و چهار کوه برآیند. آن گونه پیداست که پیش از آمدن اهریمن بر آفرینش به یک هزار سال گوهر کوهاند زمین آفریده شد چون پتیاره بر زمین آمد اندر پی چَندش (= لرزش) زمین، همچون درختی که شاخ او به بالا روید و ریشه‌اش به زیر، کوه‌های رستند و بر زمین پیدا آمد.^(۹)

در بندهشن نیز درباره‌ی آفرینش زمین (چگونگی پدید آمدن کوه‌ها مطالبی آمده است).^(۱۰) در مینوی خرد از زمین شاد و ناشاد سخن رفته و مینوی خرد زمین شاد را چنین توصیف می‌کند:

۱- زمینی که مرد پارسا در آن اقامت می‌کند.
۲- خانه‌ی آتش‌ها در آن سازند.
۳- آن جا که گاوان و

گوسفندان خوابند.
۴- زمین کشت شده.
۵- زمینی که لانه‌ی حیوانات موزی را از آن بکنند.
۶- زمینی که جای پرستش ایزدان و نشست نیکان باشد.
۷- زمینی که ویران بوده و آن را آباد کنند.
۸- زمینی که از مالکیت بدان به نیکان رسد.
۹- زمینی که محصول آن به نیکان و ارزانیان رسد.
۱۰- زمینی که زوهر (= آب مقدس) و یزش (= عبادت) در آن کنند.
زمین ناشاد را چنین وصف می‌نماید:
۱- زمینی که در آن دوزخ ساخته شده باشد.
۲- زمینی که پارسایی در آن بکشند.
۳- زمینی که جایگاه دیوان و دروجان باشد.
۴- زمینی که بتکده در آن بسازند.
۵- زمینی که مرد بدکار بی‌دین در آن زیست کند.
۶- زمینی که لاشه در آن دفن شود.
۷- زمینی که لانه‌ی جانوران موزی در آن باشد.

۱- یشت‌ها، ۳۰۳/۱. ۲- همان، ۲۰۸/۱.
۳- زند آکاسیه، ۲۲۲.
۴- خرده آوستا، ۱۸۷ و ۲۰۸.
۵- یشت‌ها، ۶۰/۲. ۶- وندیداد، ۸۶.
۷- یشت‌ها، ۴۳۱/۱.
۸- یسنا، ۱۸۰/۱ و یشت‌ها ۶۰/۲.
۹- گزیده‌های زادسپرم، ۱۱.
۱۰- زند آکاسیه، ۲۴.

۸- زمینی که از ملکیت نیکان به بدان رسد.

۹- زمین آبادی که ویران کنند.

۱۰- زمینی که در آن شیون و مویه کنند.^(۱)

ایزد زمین همان‌گونه که گفته شده زامیاد یا زم یزت است.

فرّ کشور/ فرّ ایرانی:

فرّ ایرانی فرّی است که ویژه‌ی ایرانیان می‌باشد. این نام در آوستا به صورت اریانم خورنو^(۲) و در پهلوی ایران خوره^(۳) گفته می‌شود و از آن گله و رمه و ثروت و آبادی و خرد و دانش ایرانی و در هم شکنندگی غیر ایرانی اراده شده است.

در اشتاد یشت آهورامزدا به زرتشت می‌گوید: من بیافریدم فرّ ایرانی از ستور برخوردار، پر رمه پرثروت، پرفر را که خرد خوب فراهم شده و دارایی فراهم شده بخشد. در هم شکننده‌ی آز، ما در هم شکننده‌ی دشمن است. او (= فرّ ایرانی) اهریمن پرگزند را شکست دهد، خشم خونین سلاح را شکست دهد. بوشاسب (دیو خواب سنگین) خواب آلود را شکست دهد. یخ در هم فسرده را شکست دهد. دیو اپوش (خشکی) را شکست دهد. ممالک غیر ایرانی را شکست دهد.^(۴)

در بندهشن نیز فرّ ایرانی اورمزد آفریده از آن ایرانیان یاد شده است.^(۵)

گاهنبار:

گاهنبار جشن‌هایی بود که در اوقات مختلف سال برگزار

می‌شده و تعداد آن‌ها شش است. صورت آوستایی آن کاتویائیریه^(۶) به معنی هنگام سال و در پهلوی گاسانبار و در فارسی گاهنبار گفته می‌شود. نام این جشن‌های شش‌گانه‌ی سال که در اوقات معین برگزار می‌شده، در آوستا نوشته‌های پهلوی آمده است.^(۷) در ویسپرد از گه‌نبارها سخن رفته و هر یک با صفت خاص که نمودار هنگام برگزاری آن هاست آمده است. در نوشته‌های پهلوی و نیز نوشته‌های دینی زردشتی هر یک از جشن‌های شش‌گانه‌ی گاهنبار را هنگام آفرینش یکی از آفریدگان جهان مادی آورده و مدت برگزاری جشن را پنج روز یاد کرده‌اند.

در مینوی خرد گاهنبارها به نیروی خرد ساخته و مقدر شده و برگزاری آن سومین کار نیک مهتر و بهتر یاد شده است.^(۸) در میان زردشتیان برگزاری آیین گاهنبارها و شرکت در آن‌ها از واجبات و ترک آن موجب گناه است.

هفت کشور:

هفت کشور نام هفت پاره زمین است که بنا به اساطیر ایرانی پس از بارندگی که در آغاز آفرینش صورت گرفت پدید آمد. این نام در آوستا به صورت هپتوکرشور^(۹) و در سنسکریت سپت دویپا^(۱۰) و در گاتاها به صورت هپت بومی^(۱۱) و در پهلوی هفت کشور گفته شده است. نام هفت کشور به ترتیب در آوستا چنین آمده است: اول ارزهی^(۱۲)،

دوم سسوهی^(۱۳)، سوم فرردزفشو^(۱۴) چهارم ویدزفشو^(۱۵)، پنجم واروو برشتی^(۱۶)، ششم واروو جرشتی^(۱۷)، هفتم خونیرث^(۱۸) کشور خونیرث در میان کشورهای دیگر قرار گرفته و آن جا مسکن ایرانیان گفته شده است. در ویسپرد نام هفت کشور زمین آمده و مورد ستایش قرار گرفته است.^(۱۹)

در مهریشت، تشریشت، رشن یشت نیز نام هفت کشور یاد گردیده است.^(۲۰)

در بندهشن نیز از هفت کشور یاد شده است.^(۲۱)

در مینوی خرد نیز از هفت کشور سخن رفته و پیدایی زمین و تقسیم‌بندی آن به هفت کشور، از نیروی خرد دانسته شده است.^(۲۲)

حفظ محیط زیست:

وسواس ایرانیان باستان در پاک نگاهداشتن به خصوص آب خاک، هوا و آتش، زبازند یونانیان بوده است. ۱۵۴ه‌م‌د‌ارد ...

۱- مینوی خرد، ۱۸.

2- Aliyanem xuareno.

3- Airan Xuareh.

۴- یشت‌ها، ۲۰۴/۲. ۵- زندآکاسیه، ۲۱۰.

6- Gatuyairyay.

۷- خرده آوستا، ۲۱۶. ۸- مینوی خرد، ۱۸ و ۷۳.

9- Haptokarsvar. 10- septa duipa.

11- Heptavumi. 12- Arezahi

13- savehi 14- fradazafsu

15- Vidazafsu 16- Vourubaresti

17- Vouru jaresti 18- Xanirasa

۱۹- ویسپرد/۴۷.

۲۰- یشت‌ها، ۴۳۱/۱، ۴۳۲/۱، ۵۷۱.

۲۱- زندآکاسیه، ۹۰. قرن بغدادگی، ۷۰.

۲۲- مینوی خرد، ۷۳ و ۱۱۲.